



Studying the effect of internal control system on financial performance with the mediating role of information asymmetry in the Iranian capital market

Seyed Mohammad Amin Razavi¹, Shadi Shahverdiani*²

1- Master's degree in financial management, Islamic Azad University, Electronic Branch Tehran, Iran.

2*- Assistant Professor, Department of Business Administration, Islamic Azad University, Shahr-e-Qods Branch, Tehran, Iran.

Abstract

The research was conducted with the aim of studying the effect of internal control system on financial performance with the mediating role of information asymmetry in the Iranian capital market. The research is applied in terms of purpose and descriptive-correlation in terms of data collection method. The population and statistical sample that is considered to test the hypotheses in this research includes listed companies in the period of 2014-2022. Descriptive statistics (percentage, average and standard deviation) and inferential statistics (correlation coefficient and regression models of combined or consolidated data) are used to perform appropriate analyses. The results showed that the internal control system has an effect on financial performance with the mediating role of information asymmetry in the Iranian capital market. The positivity of the variable coefficient of internal control system on financial performance (0.780) and internal control system with the mediating role of information asymmetry (0.440) indicates a positive and direct relationship between information asymmetry in the relationship between internal control system and financial performance. be; Therefore, the internal control system has an effect on financial performance with the mediating role of information asymmetry in the Iranian capital market.

Keywords: internal control system, information asymmetry, financial performance

Citation:

Razavi, S. M. A., & Shahverdiani, S. (2023). Studying the effect of internal control system on financial performance with the mediating role of information asymmetry in the Iranian capital market. *Journal of Intelligent Marketing Management*, 4(2), 143-159.



مطالعه تأثیر سیستم کنترل داخلی و مدیریت سود واقعی بر عملکرد مالی با نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران

سید محمد امین رضوی^۱، شادی شاهوردیانی^{۲*}

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی، تهران، ایران.

۲- استادیار گروه مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، تهران، ایران.

چکیده

پژوهش با هدف مطالعه تأثیر سیستم کنترل داخلی بر عملکرد مالی با نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران انجام شد. پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی-همبستگی است. جامعه و نمونه آماری که برای آزمون فرضیه‌ها در این تحقیق متصور شده است شامل شرکت‌های پورسی در بازه زمانی سالهای ۱۴۰۱-۱۳۹۳ است. برای انجام تحلیل‌های مناسب از آمار توصیفی (درصد، میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی و مدل‌های رگرسیونی داده‌های ترکیبی یا تلفیقی) استفاده می‌گردد. نتایج نشان داد سیستم کنترل داخلی بر عملکرد مالی با نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران تأثیر دارد. مثبت بودن ضریب متغیر سیستم کنترل داخلی بر عملکرد مالی (۰/۷۸۰) و سیستم کنترل داخلی با نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی (۰/۴۴۰) حاکی از رابطه مثبت و مستقیم عدم تقارن اطلاعاتی در ارتباط بین سیستم کنترل داخلی و عملکرد مالی می‌باشد؛ بنابراین سیستم کنترل داخلی بر عملکرد مالی با نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران تأثیر دارد.

کلیدواژه‌ها: سیستم کنترل داخلی، عدم تقارن اطلاعاتی، عملکرد مالی.

استناد:

رضوی، سید محمد امین و شاهوردیانی، شادی. (۱۴۰۲). مطالعه تأثیر سیستم کنترل داخلی و مدیریت سود واقعی بر عملکرد مالی با نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران. مدیریت بازاریابی هوشمند، ۴(۲)، ۱۴۳-۱۵۹.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

<https://doi.org/JABM.3.2.15564.35125656565047>

نشریه مدیریت بازاریابی هوشمند، ۱۴۰۲، دوره ۴، شماره ۲، پایی ۲۰

ناشر: نشریه مدیریت بازاریابی هوشمند

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© نویسندگان



مقدمه

دستورالعمل و یا آیین نامه حاکمیت شرکتی به نوعی دستورالعمل جدیدی نیست و تنها دامنه آن وسیع تر شده است و از منظر شکلی نیز مقداری توسعه پیدا کرده است، بنابراین قاعدتا اجرای آن می تواند به ساختار و کنترل داخلی شرکت ها کمک کند اما لازمه آن در ابتدا این است که فرهنگ سازی لازم انجام شده و همچنین ساختار شرکت ها نیز با آن هماهنگ شده باشد، شرکت ها نیز باید به این مسئله اعتقاد داشته باشند و به این صورت نباشد که به صورت ظاهری آن را درست کنند اما در عمل به مرحله اجرایی شدن نرسد و می توان گفت که مهمترین نکته ای که وجود دارد همین موضوع است. اجرای حاکمیت شرکتی یعنی کنترل داخلی و نظارت و تایید اختیاراتی که هیات مدیره دارا هستند و مطمئنا آن عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و ذی نفعان شرکت کاهش پیدا می کند نکته بعدی آن است که حدود و مسئولیت هیات مدیره ها حداقل بیشتر متوجه خواهند شد و کسانی که قصد دارند در حوزه هیات مدیره ناشران وارد شوند متوجه این باشند که چه مسئولیت هایی را دارا هستند و باید پاسخ دهی آن ها به چه صورتی باشد، چه به ذی نفعان چه به سرمایه گذاران و چه به سهامداران که مجموع این ها باعث افزایش شفافیت خواهد شد (رخشانی و محمدی، ۱۴۰۰). شواهد موجود نشان می دهد که عملکرد موفق صنایع در خصوص عملکرد، در جنبه های گوناگون مزیت هایی را برای آنان در پی خواهد داشت که پیامدهای مثبت آن نه تنها فضای رشد و توسعه برای صنایع علی الخصوص صنایع کوچک را به همراه دارد، بلکه در نهایت به رشد و بالندگی نظام اقتصادی کشور نیز منتج خواهد شد (مونتر و همکاران، ۲۰۲۲). از این رو بررسی عواملی از جمله قابلیت های منابع اطلاعاتی و استراتژی های بازاریابی صنایع مورد بحث بسیاری از مدیران و صاحب نظران حوزه مدیریت بوده است (مونتر و همکاران، ۲۰۱۷). در محیط تجاری امروز که مهمترین مشخصه آن افزایش جهانی شدن بازارها و روابط متقابل اقتصادی است، کیفیت سیستم کنترل داخلی یکی از حیاتی ترین فاکتورهای آن را تشکیل می دهد (میوسویچ و مورگان، ۲۰۱۸). کیفیت سیستم کنترل داخلی، یک رویداد نیست، بلکه مجموعه ای از عملیات و فعالیتها بر پایه ستانده است. کیفیت سیستم کنترل داخلی باید به عنوان جزء لازم هر سامانه ای شناسایی شود که مدیریت برای تنظیم و راهنمایی آن فعالیتها به کار می گیرد، نه به عنوان یک سامانه جداگانه در درون یک دستگاه اجرایی. با این مفهوم کیفیت سیستم کنترل داخلی، یک رویکرد کنترل مدیریتی است که در درون یک واحد به عنوان بخشی از زیرساخت کنترل مدیریت به وجود می آید تا به مدیران در انجام کار یک واحد و دستیابی به هدفهای آن بر یک پایه و اساس مداوم کمک کند؛ لذا عاملی کلیدی در کمک برای دستیابی به هدف و کمینه کردن مشکلات اجرای مناسب کنترل داخلی است (مونتر و همکاران، ۲۰۲۲). سیستم کنترل داخلی به اتخاذ هر گونه تدابیری در سازمان برای پیشگیری از هر گونه انحرافات از برنامه ها و استانداردهای از پیش تعیین شده را گویند (اوسما و همکاران، ۲۰۲۲).

سیستم کنترل های داخلی شامل سیاستها و روشهایی است که برای تامین اطمینان نسبی (نه مطلق)، از دستیابی به هدفهای سازمانی بوجود می آید. منظور از نسبی بودن اطمینان یعنی اینکه هیچ کنترل داخلی ایده آل نیست و مخارج آن نباید بیشتر از منافع مورد انتظار پیاده سازی آن باشد. بنابراین جهت دستیابی به اطمینانی معقول از دستیابی به این اهداف، سیستم کنترل داخلی بایستی موارد زیر تأمین نماید (مونتر و همکاران، ۲۰۲۲). سیستم کنترل داخلی شامل سنجش میزان اثر بخشی و کارآئی عملیات بخشهای مختلف واحد تجاری، کسب اطمینان از درست و واقعی بودن صورتهای و گزارشهای مالی و عملیات انجام شده، حفاظت از داراییها در مقابل سوء استفاده، سرقت،

¹ Monteiro

² Miocevic and Morgan

حیف و میل شدن وغیره، تشویق کارکنان سازمان به رعایت یکسان قوانین و مقررات، همچنین ایجاد هماهنگی بین بخشهای مختلف سازمان و جلوگیری از هرج و مرج و موازی کاری (خرم آبادی و همکاران، ۱۳۹۹). ارزیابی‌های طراحی شده برای حصول اطمینان از عملکرد کل واحد تجاری بر اساس طرح و برنامه است. اصل اساسی در کنترل داخلی این است که هیچ فردی نباید تمامی مراحل یک برنامه را از آغاز تا پایان بر عهده داشته باشد. در صورت سازمان‌دهی عملیات تجاری به نحوی که دو یا چند فرد شاغل برای مشارکت در هر معامله لازم است، احتمال ضرر کاهش یافته و کار هر فرد موجب اطمینان از صحت کار دیگری می‌شود. دلیل اصلی بسیاری از اسناد تجاری و رویکردهای حسابداری دستیابی به کنترل توانمند داخلی است. بنابراین ما باید مفاهیم کنترل داخلی و مقتضیات را در مطالعه حسابداری خود مورد بررسی قرار دهیم. اما نکته‌ای که بایستی در نظر داشت این است که، کنترل داخلی از نظر مدیریت با کنترل داخلی از نظر حساب‌برسان با هم متفاوت بوده و دیدگاههای متفاوتی با هم در مورد کنترل داخلی دارند (خجسته، وادی زاده، ۱۴۰۰).

اولین قدم در اجرای وظایف مدیریت تصمیم‌گیری است. با توجه به اینکه تصمیم‌گیری بدون وجود اطلاعات و برقراری ارتباطات لازم میسر نیست پایه اجرایی چنین وظیفه‌ای فراهم آوردن اطلاعات لازم برای مدیریت است. اطمینان نداشتن به آینده و فقدان اطلاعات مربوط به وقایع جاری مدیر را مجبور می‌کند که به دنبال اطلاعات و برقراری ارتباطات رسمی یا غیررسمی برود. اطلاعات همان داده‌های پرورده در سازمان است که از طریق نظم ارتباطی خود در روند صحیح تأمین اطلاعات، اطمینان مدیریت را در تصمیم‌گیریها افزایش می‌دهد. تغییرات سریع عوامل برون سازمانی، توسعه سازمانها و پیچیدگی نظامهای مدیریت نیاز مدیران را به اطلاعات افزایش داده است. خسارات ناشی از تصمیم‌های ضعیف جبران‌ناپذیر است. میزان تأثیر تصمیم‌های راهبردی خوب و به موقع نیز خارج از وصف است. اما نکته در خور بررسی این است که ارائه اطلاعات به موقع، صحیح، مناسب، مختصر و مفید و برقراری ارتباطات در کلیه سطوح مدیریت سازمانی لازمه نظام کارآمد اطلاعاتی مدیریت است تا تصمیم‌گیریهای صحیح و برنامه‌ریزی و کنترل وظایف اجرایی را برای مدیریت تسهیل کند (رخشانی و همکاران، ۱۴۰۰). با این وجود شرکت‌ها همواره به علت فشار رقابتی و علاقه‌مندی به رشد و توسعه، تلاش‌های فراوانی را جهت افزایش عملکرد تجاری انجام می‌دهند. از این رو موفقیت در فروش محصولات و خدمات همواره دغدغه بسیاری از مدیران شرکت‌های بازرگانی و در عین حال مورد توجه پژوهشگران در گذشته بوده است. تحقیقات فلیسو و همکاران^۱ (۲۰۱۲) و آتاتونیک و همکاران^۲ (۲۰۰۱) نشان داده است که شرکتهایی که بازارهای هدف را بهتر شناسایی نمایند، عملکرد بهتری نسبت به شرکتهای دیگر در محیط کسب و کار دارا می‌باشند. از این رو شناسایی فرصتهای محیطی و پایش صحیح اطلاعات بازار و اطلاعات مشتریان از جمله عواملی است که می‌تواند به سازمان برای ادامه حیات در حوزه کسب و کار مربوطه و ارتقای عملکرد در محیط کسب و کار کمک نماید (کرمی و همکاران، ۱۳۹۷). مطابق با نظر آتاتونیک و هیستریچ (۲۰۰۱)، شناسایی فرصتهای محیطی مجموعه‌ای از اقدامات اطلاعاتی در کسب و کارهای جدید، نوآور محوری و خودسازی و پیشرو بودن در حوزه کسب و کار می‌باشد. شناسایی فرصتهای محیطی در واحدهای تولیدی و صنعتی، سهم قابل توجهی در تحولات صنعتی، اقتصادی و تجاری دارد و این واحدها به طور مستقیم می‌توانند ضمن پاسخگویی به نیازهای جامعه، در تنظیم فعالیتهای اقتصادی مؤثر باشد (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۶). عدم تقارن اطلاعاتی: به هر گونه شرایط غیرمعمول و غیرمتعارف در جریان روال اطلاعاتی در بازار سرمایه که عدم شفافیت در بازار را دنبال دارد گفته می‌شود (اوسما و همکاران، ۲۰۲۲). زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی در رابطه با سهام یک شرکت افزایش یابد،

ارزش ذاتی آن با ارزشی که سرمایه گذاران در بازار سرمایه برای سهام مورد نظر قائل می شوند متفاوت خواهد بود. در نتیجه، ارزش واقعی سهام شرکتها با ارزش مورد انتظار سهامداران تفاوت خواهد داشت (رضازاده و آزاد، ۱۳۹۷). آنچه در بازارهای سرمایه باید مورد توجه قرار گیرد این است که بسیاری از افرادی که اقدام به سرمایه گذاری می کنند، مردم عادی هستند که تنها راه دسترسی آنها به اطلاعات مهم شرکتها، اطلاعیه هایی می باشد که از جانب شرکتها منتشر می شود. یک نمونه از این نوع اطلاعیه ها را می توان اعلان سود برآوردی هر سهم دانست که در آن سود پیشنهادی هر سهم از جانب شرکت پیش بینی شده و به اطلاع عموم رسانده می شود. حال اگر در بین سرمایه گذارانی که در بازارهای سرمایه مشغول فعالیت بوده، افرادی باشند که از نظر اطلاعاتی نسبت به سایرین در موقعیت بهتری قرار داشته باشند و به عنوان مثال از اعلان هایی که قرار است درباره سود صورت پذیرد مطلع باشند قادر خواهند بود تا بر عرضه و تقاضای بازار تاثیر گذاشته و به اصطلاح، منجر به بروز شکاف قیمتها گردند. دلیل اصلی آن نیز وجود عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه می باشد که بر طبق آن افراد مطلع از اعلان سود (و یا هر خبر با اهمیت دیگر) را نسبت به سایرین در موقعیت تصمیم گیری مناسب تری قرار می دهد. یکی از نکات مهمی که همواره در مورد بازارهای سرمایه خصوصاً بورس های اوراق بهادار مطرح می گردد، بحث کارایی بازار می باشد که بر طبق آن تمامی اطلاعات موجود در بازار، اثرات خود را بر روی قیمت سهام منعکس می نماید. شاید بتوان از دیدگاه فرضیه بازار کارا، دلیل وجودی حسابداری را عدم تقارن اطلاعاتی بیان نمود که در آن یکی از طرفین مبادله، اطلاعات بیشتری را نسبت به طرف مقابل در اختیار دارد. این امر به علت وجود معاملات و اطلاعات درونی بوجود می آید. حتی اگر قیمت بازار اوراق بهادار کاملاً منعکس کننده اطلاعات باشد باز هم این احتمال وجود دارد که افراد درون سازمانی بیش از افراد برون سازمانی در مورد وضعیت کیفی شرکت اطلاعات بیشتری در اختیار داشته باشند و بتوانند به واسطه این مزیت اطلاعاتی در جهت کسب منافع بیشتر اقدام نمایند. در اینجا است که یکی از زیر شاخه های بحث عدم تقارن اطلاعاتی موسوم به گزینش (انتخاب) مغایر نمایان می شود. گزینش مغایر به وضعیتی اطلاق می شود که در آن فروشندگان، اطلاعات مربوطی در اختیار دارند که خریداران از آن بی اطلاع می باشند (وبالعکس)، که این امر دقیقاً قبل از وقوع معامله بوجود می آید. زمانی که معامله گران در بازار از وجود افراد غیر مطلع آگاه شوند مساله گزینش مغایر افزایش می یابد. در این حالت افزایش سطح عدم تقارن اطلاعاتی از طریق گسترش تفاوت دامنه پیشنهادی قیمت خرید و فروش سهام نشان داده می شود و بازارگردانها از افزایش این تفاوت برای جبران ریسک گزینش مغایر بهره می گیرند. به عبارت دیگر، حضور افراد ناآگاه در بازار سرمایه این امکان را فراهم می سازد تا سرمایه گذاران حرفه ای نرخ بازده بالاتری بدست آورند (نوروزی، ۱۳۹۴).

معمولاً زمانی که اطلاعات تازه ای از وضعیت شرکتها در بازار منتشر می شود، این اطلاعات توسط تحلیل گران، سرمایه گذاران و سایر استفاده کنندگان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و بر مبنای آن، تصمیم گیری نسبت به خرید و یا فروش سهام صورت می پذیرد. این اطلاعات و نحوه واکنش به آنها بر رفتار استفاده کنندگان، به خصوص سهامداران بالفعل و بالقوه تاثیر گذاشته و باعث افزایش و یا کاهش قیمت و حجم مبادلات سهام می گردد، زیرا نحوه برخورد افراد با این اطلاعات جدید نوسانات قیمتها را شکل می دهد. بنابراین، در صورت انتشار محرمانه و ناهمگون اطلاعات، واکنش های متفاوتی را از سوی سرمایه گذاران به واسطه وجود عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه شاهد می باشیم که این امر تحلیل های نادرست و گمراه کننده ای را از وضعیت جاری بازار به همراه خواهد داشت. مطالب فوق می تواند بیانگر اهمیت موضوع عدم تقارن اطلاعاتی و تاثیر غیر قابل انکار آن بر روی تصمیم گیریهای اقتصادی افراد باشد (مارتینز، ۲۰۱۵).

از این رو شناسایی فرصتهای محیطی و پایش اطلاعات بازارهای هدف و مشتریان عامل مهمی در موفقیت مدیران شرکتهای محسوب شده و فعالیتهای بازارگرایی و وجود ویژگیهای شخصیتی از جمله خودکارآمدی، توانایی درک فرصتها، پشتکار، سرمایه اجتماعی و مهارتهای اجتماعی با پیشرفت و توسعه در تجارت و کسب کار مرتبط بوده و موجب بهبود عملکرد خصوصاً در حوزه کسب و کار می شود (واراداران، ۲۰۲۰). از سوی دیگر استفاده از قابلیتها محوری و دینامیک در سازمان یکی از عوامل کلیدی موفقیت محسوب می شود. قابلیتهای سازمان از جمله مهارتها و فرایندها، سازمان را در تطابق با محیط توانمند ساخته و بهترین استفاده را از منابع سازمان می کند. بنابراین نوآورمحوری، خودبازبینی و کسب و کارهای جدید ارزش بالقوه‌ای در سازمان داشته و سازمان نیازمند بکارگیری قابلیت‌های صحیحی برای سرمایه‌گذاری روی آنها می باشد (خرمی، ۱۳۹۷). بکارگیری استراتژیهای بازاریابی کارآمد مبتنی بر دانش مشتریان اشاره به توانایی سازمان در تقویت، توسعه و بسط بازار فعلی به بازاری بزرگتر و دانش مشتری، مهارتها و فرایندها دارد (مانسان^۲ و همکاران، ۲۰۱۸). عبارتی اشاره به توانایی سازمان به دستیابی به بازارهای بزرگتر جدید و دانش مشتری، مهارت‌ها و فرایندهای جدید دارد. از این رو تحقیقات ثابت می کند که شناسایی و بکارگیری بازار نقش کلیدی در درک فرایندهای داخلی کارآفرینی مؤثر بر عملکرد دارد (لیسبوا و همکاران، ۲۰۱۱).

با این وجود امروزه رقابت موجود در بازارها با گستردگی بیشتری نسبت به گذشته همراه است. بسیاری از شرکت‌ها تلاش می کنند تا با تدوین استراتژی‌های رقابتی مناسب، مزیت رقابتی را بدست آورند و با افزایش میزان رقابت‌پذیری محصولات خود، زمینه رشد و پیشرفت شرکت را فراهم سازند. افزایش ارزش برای مشتریان به منظور دستیابی به مزیت رقابتی، ارتباط نزدیکی با انتخاب دقیق استراتژی توسط شرکت دارد. در این بین استراتژی رقابتی، یک برنامه‌ی عملکرد بلندمدت است که یک شرکت برای دستیابی به اهداف رقابتی، مدنظر قرار می دهد. شرکت، بعد از بررسی نقاط قوت و ضعف رقبا و مقایسه‌ی آنها با نقاط قوت و ضعف خود، از استراتژی رقابتی برای پیروزی در رقابت با دیگران، بهره می برد. این استراتژی برای پاسخ‌گویی و تحمل فشارهای وارده از طرف بازار رقابتی، عملکردهای مختلف شرکت را ترکیب می کند، مشتریان را جذب و جایگاه شرکت را در بازار رقابت، تثبیت می کند (کوملو، ۲۰۱۴).

با این تفاسیر به مروری بر تحقیقات پیشین مشخص می شود که تأثیر سیستم کنترل داخلی بر عملکرد مالی به تنهایی مورد بررسی قرار گرفته است. لیکن شکاف تحقیقاتی در خصوص تحلیل تأثیر سیستم کنترل داخلی بر عملکرد مالی با نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران مشهود می باشد که این تحقیق درصدد پر کردن این شکاف می باشد. لذا مسأله اصلی و اساسی در تحقیق حاضر این است که سیستم کنترل داخلی بر عملکرد مالی با نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران چه تأثیری دارد؟

پیشینه‌ی پژوهش

کردستانی، محمدی نسب (۱۴۰۲) در مطالعه خود با عنوان تأثیر اثربخشی کنترل‌های داخلی بر افشای ریسک در متن گزارش‌های مالی نشان دادند شرکت‌هایی با سیستم کنترل داخلی ضعیف نسبت به شرکت‌هایی با کنترل داخلی کارآمد، سطوح پایین تری از افشای ریسک متنی را گزارش می کنند. همچنین نتایج نشان می دهد تکرار ادواری ضعف کنترل‌های داخلی و انتشار عمومی آن منجر به افشای سطح بالاتری از ریسک توسط مدیران می شود. بر اساس یافته‌های پژوهش می توان نتیجه گرفت که توجه حساب‌رسان به ضعف کنترل‌های

¹ Varadarajan

² Mansan

³ Lisboa

⁴ Kumlu

داخلی و تقویت ساختار کنترل‌های داخلی شرکت می‌تواند افزایش ریسک بیشتر را بهبود بخشد. رخشانی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر بکارگیری سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری بر عملکرد مدیریت به این نتیجه رسیدند که بکارگیری سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری و همچنین مؤلفه‌های آن (قابلیت اتکا، قابلیت یکپارچگی، طراحی هوشمند، سهولت بکارگیری و سرعت دسترسی) بر عملکرد مدیریت تأثیر مستقیم و معنادار دارد و به این ترتیب فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی پژوهش مورد تأیید قرار گرفتند. رازمنش و نبی زاده (۱۴۰۰) در مطالعات خود با عنوان بررسی تأثیر سیستم‌های کنترل داخلی بر رابطه بین مدیریت سود و عملکرد آتی شرکت نشان دادند مدیریت سود بر عملکرد آتی شرکت تأثیر معکوس و معناداری دارد. سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی بر عملکرد آتی تأثیر مستقیم و معناداری دارند. همچنین سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی موجب کاهش رابطه معکوس مدیریت سود و عملکرد آتی شرکت می‌گردند.

فاریابی و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان تأثیر سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت و تجربه بین‌المللی بر عملکرد صادرات با نقش میانجی استراتژی بازاریابی بین‌المللی به این نتیجه رسیدند که سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت و تجربه‌های بین‌المللی بر استراتژی بازاریابی بین‌المللی به عنوان متغیر میانجی و همچنین استراتژی بازاریابی بین‌المللی بر عملکرد صادرات تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. قره‌چه و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان تأثیر رویکرد سیستم‌های اطلاعاتی بر عملکرد تجاری بر اساس استراتژی رقابتی تمرکز در صنعت کانی غیرفلزی به این نتیجه رسیدند که سیستم‌های اطلاعاتی دارای بیشترین تأثیر بر عملکرد تجاری و بر استراتژی تمرکز است. خرمی (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «تأثیر قابلیت‌های بازاریابی بر بهبود سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت، محصولات نوآورانه و متمایزسازی محصولات صنایع متوسط استان اردبیل» به این نتیجه رسید که قابلیت‌های بازاریابی بر بهبود سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت تأثیر بر ایجاد محصولات نوآورانه و متمایزسازی محصولات صنایع متوسط استان اردبیل تأثیر دارد. فیاض (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان بررسی نقش دیدگاه منبع محوری به منابع انسانی بر توسعه عملکرد صادراتی به این نتیجه رسید که رویکرد منبع محوری به کارکنان بر عملکرد صادراتی از طریق نقش میانجی گر تعهد صادراتی تأثیر غیرمستقیم معنادار و مثبتی دارد. تقی‌زاده جورشری و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر سیستم‌های اطلاعاتی بر عملکرد خدمات جدید: نقش نوآوری خدمات (مطالعه موردی: شرکتهای بیمه استان گیلان)» به این نتیجه رسیدند که سیستم‌های اطلاعاتی بر عملکرد خدمات جدید تأثیر معناداری دارد. ژانگ سو (۲۰۲۲) در مطالعه خود با عنوان "مسئولیت اجتماعی شرکت، کنترل داخلی و عملکرد مالی شرکت" نشان دادند بین CSR و عملکرد مالی شرکت رابطه مثبت وجود دارد. بنابراین، تحقق CSR به طور موثر عملکرد مالی شرکت را بهبود می‌بخشد. یک اثر میانجی جزئی کنترل داخلی بین تحقق CSR و عملکرد مالی شرکت وجود دارد. بنابراین، کنترل داخلی خوب، شرکت را به اجرای CSR، تقویت مدیریت و بهبود عملکرد مالی سوق می‌دهد. نتایج بیشتر نشان می‌دهد که ماهیت مالکیت نقش تعدیل‌کننده‌ای در اثر واسطه‌ای کنترل داخلی دارد. این مطالعه مکانیسم CSR را بر عملکرد مالی شرکت غنی می‌کند. علاوه بر این، مبنایی نظری برای شرکت‌های فهرست شده چینی فراهم می‌کند تا CSR را انجام دهند، مالکیت را بهبود بخشند و کنترل داخلی را تقویت کنند.

روبا (۲۰۲۳) در مطالعه خود با عنوان "نقش سیستم‌های کنترل داخلی در تضمین پایداری عملکرد مالی" نشان دادند فعالیت‌های کنترلی، اطلاعات و ارتباطات، و اجزای نظارتی ICSs محرک‌های کلیدی عملکرد بانک هستند. این یافته‌ها پیامدهای مهمی برای سیاست‌گذاران و تنظیم‌کنندگانی دارد که هدفشان افزایش اثربخشی ICS در بانک‌ها و تقویت رشد اقتصادی در منطقه است. از آنجایی

که پایداری به یک موضوع حیاتی در بخش بانکی تبدیل می‌شود، درک اینکه چگونه انطباق ICS با پایداری مالی مرتبط است برای اطمینان از دوام طولانی مدت ضروری است. موسی و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه خود با عنوان آیا حاکمیت شرکتی رابطه بین اثربخشی سیستم کنترل داخلی و عملکرد مالی SMEها در غنا را تعدیل می‌کند؟ نشان دادند که هر پنج مؤلفه اصلی سیستم کنترل داخلی (محیط کنترل، فعالیت های کنترلی، ارزیابی ریسک، اطلاعات و ارتباطات و نظارت) با عملکرد مالی SMEهای ثبت شده در AGI رابطه مثبت و معناداری دارند. این مطالعه همچنین نشان داد که رویه حاکمیت شرکتی مؤثر رابطه بین هر پنج مؤلفه سیستم کنترل داخلی و عملکرد مالی SMEهای ثبت شده در AGI در غنا را تعدیل می‌کند. تعامل بین متغیرهای مستقل و عملکرد مالی با معرفی شیوه‌های حاکمیت شرکتی قوی‌تر می‌شود. معروفی و حاجی (۲۰۲۲) در مطالعات خود با عنوان تأثیر مؤلفه‌های کنترل داخلی بر عملکرد سازمانی سازمان دولتی مراکش: یک نظریه اکتشاف نشان دادند بین عناصر کنترل داخلی و عملکرد سازمانی رابطه مثبت وجود دارد. از طریق یک تحلیل اسنادی، متوجه می‌شویم که میزان تأثیر این تأثیر در عناصر مختلف سیستم کنترل داخلی متفاوت است.

مونتر و همکاران (۲۰۲۲) در تحقیقی با عنوان تأثیر سیستم‌های کنترل داخلی و کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی بر عملکرد مالی و بازاریابی با نقش میانجی کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی غیرمالی به این نتیجه رسیدند که سیستم‌های کنترل داخلی و کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی بر عملکرد مالی و بازاریابی با نقش میانجی کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی غیرمالی تأثیر معناداری دارد. وارانجان (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان مزیت منابع اطلاعاتی مشتری، راهبرد بازاریابی و عملکرد تجاری به این نتیجه رسیدند که بین مزیت منابع اطلاعاتی مشتری، راهبرد بازاریابی و عملکرد تجاری رابطه معناداری وجود دارد. اده^۳ و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان تأثیر راهبردهای نوآوری و کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی بر عملکرد تجاری به این نتیجه رسیدند که استراتژی صادرات رفاقت محیطی شرکت بر تمایز محصول صادراتی، رهبری هزینه صادراتی و همین‌طور عملکرد بازار صادرات تأثیر مثبت و معناداری دارد. نهایتاً اینکه کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی بر عملکرد بازار صادرات تأثیر مثبت و معناداری دارد ولی تأثیر معنادار مزیت رقابتی رهبری هزینه بر عملکرد بازار صادرات تأیید نمی‌شود.

مونتر و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان تأثیر منابع نامشهود اطلاعاتی و گرایش‌های کارآفرینانه بر عملکرد تجاری با نقش میانجی قابلیت‌های پویا به این نتیجه رسیدند که منابع نامشهود اطلاعاتی و کنترل داخلی و گرایش‌های کارآفرینانه بر عملکرد تجاری با نقش میانجی قابلیت‌های پویا تأثیر معناداری دارد. مانولوپولوس^۵ و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان تأثیر منابع اطلاعاتی بر عملکرد تجاری با نقش میانجی فساد، بروکراسی اداری و قوانین صادراتی به این نتیجه رسیدند که منابع اطلاعاتی بر عملکرد تجاری با نقش میانجی فساد، بروکراسی اداری و قوانین صادراتی تأثیر معناداری داشت. مانسان^۶ و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان تأثیر ظرفیتهای بازاریابی بر عملکرد تجاری با نقش میانجی قابلیت‌های پویا و کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی به این نتیجه رسیدند که کارآفرینی‌گرایی و کارمندگرایی بر بازارگرایی تأثیر مثبت دارد. ولی بین سایر جهت‌گیری‌های راهبردک و بازارگرایی رابطه معنی داری یافت نشد.

¹ Alhassan Musah, Abigail Padi, Bismark Okyere, Deodat E. Adenutsi & Charles Ayariga

² Varadarajan

³ Ede

⁴ Monteiro

⁵ Manolopoulos

⁶ Mansan

همچنین، عملکرد در فضای رقابتی کنونی تحت تأثیر متغیرهای بازارگرایی و قابلیت‌های بازاریابی قرار دارد. در نهایت نتایج نشان داد و کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی بر عملکرد تجاری تأثیر معناداری دارد. میو سوچ و مورگان (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان تأثیر سیستم‌های اطلاعاتی بر عملکرد بازاریابی با نقش میانجی ظرفیتهای نوآورانه به این نتیجه رسیدند که سیستم‌های اطلاعاتی بر عملکرد بازاریابی با نقش میانجی ظرفیتهای نوآورانه تأثیر معنی‌داری دارد. راجاپاتیرانا و هوی (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان «ظرفیت نوآوری و سیستم‌های اطلاعاتی سازمان و عملکرد بازاریابی صادراتی» به این نتیجه رسیدند که ظرفیت نوآوری و سیستم‌های اطلاعاتی سازمان بر عملکرد بازاریابی صادراتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین ظرفیت نوآوری بر انواع نوآوری اثرگذاری مثبت و معناداری دارد. گوک و پکر (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان «تأثیر ظرفیتهای کنترل داخلی بر ایجاد مزیت رقابتی پایدار، متمایزسازی محصول و عملکرد نوآورانه در محصول» به این نتیجه رسیدند که ظرفیتهای کنترل داخلی بر ایجاد مزیت رقابتی پایدار در صنایع کوچک آلمان تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین بازاریابی استراتژیک بر متمایزسازی محصول و عملکرد نوآورانه مثبت و مستقیم اثرگذار است. اردیل و اوزدمیر (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان تعیین ارتباط بین استراتژی کنترل داخلی و محرک‌های عملکرد در بازارهای خارجی: یک مورد کاربردی در صنعت پوشاک ترکیه به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های شرکت، مشخصه‌های محیطی، تجربه کنترل داخلی، با سطح عملکرد بالاتر در شرکتهای صادرکننده لباس در کشور ترکیه مرتبط هستند. یافته‌های دیگر نیز نشان داد که استراتژی کنترل داخلی نقش واسطه‌ای در ارتباط بین عملکرد و بهره‌وری دارد.

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی-همبستگی جامعه آماری که برای آزمون فرضیه‌ها در این تحقیق متصور شده است شامل شرکتهای بورسی در بازه زمانی سالهای ۱۴۰۱-۱۳۹۳ که تعداد ۱۴۲ شرکت بود. حجم نمونه ۱۴۲ پرسشنامه است. جامعه آماری که برای آزمون فرضیه‌ها در این تحقیق متصور شده است شامل شرکتهای بورسی در بازه زمانی سالهای ۱۴۰۱-۱۳۹۳ و شرکتهایی به منظور یکسان‌گزینی انتخاب می‌شوند که سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند بوده و تغییر سال مالی در بین سالهای ۱۴۰۱-۱۳۹۳ مشاهده نشود. همچنین توقف معاملاتی در بازه زمانی ۱۴۰۱-۱۳۹۳ بیش از ۳ ماه متوالی نداشته باشد. کنترل داخلی (ICE_t):

در این پژوهش، کنترل داخلی (ICE_{it}) به عنوان متغیر مستقل اول در نظر گرفته شده است و یک متغیر دو وجهی می‌باشد. جهت اندازه‌گیری این متغیر از گزارش حسابرسی مستقل استفاده شده است. از آنجایی که نقاط ضعف سیستم کنترل داخلی در صورتی که با اهمیت باشد در گزارش حسابرسی تحت یکی از بندهای شرط لحاظ می‌شود و سایر نقاط ضعف طی نامه مدیریت ارائه می‌شود، لذا در این پژوهش، در صورتی که در گزارش حسابرسی مستقل سیستم کنترل داخلی دارای ضعف با اهمیت نباشد، حاکی از اثربخشی کنترل داخلی بوده و مقدار آن یک در نظر گرفته می‌شود. همچنین در صورتی که در گزارش حسابرسی مستقل به ضعف سیستم کنترل داخلی تصریح شده باشد، مقدار این متغیر صفر در نظر گرفته می‌شود.

¹ Miocevic and Morgan

² Rajapathirana and Hui

³ Gock and Peker

⁴ Erdil and Uzdemir

عملکرد مالی (ROA_{it}): در این تحقیق برای محاسبه عملکرد مالی از نرخ بازده دارایی‌ها که از نسبت سود خالص به جمع دارایی‌ها می‌باشد استفاده می‌شود.

عدم تقارن اطلاعاتی (BAS_{it}): برای محاسبه عدم تقارن اطلاعاتی از درصد مالکیت سهامداران غیرنهادی استفاده شده است (کورمیر و همکاران، ۲۰۱۳؛ مارتینز، ۲۰۱۵ و آباد و همکاران، ۲۰۱۵). اعتقاد این محققین بر این است که مالکان غیرنهادی در شرکت، نسبت به سایر سهامداران بیشتر در معرض عدم تقارن اطلاعاتی قرار دارند و در شرکتی که در ترکیب سهامداران آن سهامداران نهادی حضور نداشته باشند و همچنین در ترکیب اعضای هیئت مدیره آن، اعضای غیرموظف کمتر از ۵۰ درصد باشند، در آن شرکت عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد. طبق بند ۲۷ ماده‌ی یک قانون بازار اوراق بهادار ج.ا.ا، سرمایه‌گذاران نهادی عبارتند از:

- بانکها و شرکتهای بیمه،
- هلدینگ‌ها، شرکتهای سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، شرکتهای تأمین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری ثبت شده نزد سازمان بورس اوراق بهادار،
- هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد اوراق بهادار در دست انتشار ناشر را خریداری کند،
- سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی،
- شرکتهای دولتی، و
- اعضای هیأت مدیره و مدیران ناشر یا اشخاصی که کارکرد مشابه دارند.

متغیرهای کنترل:

(LEV): نشان دهنده نسبت بدهی که در این مطالعه برای محاسبه شاخص نسبت بدهی از نسبت بدهی‌ها به کل دارایی‌ها استفاده می‌گردد.

(Size): نشان دهنده اندازه‌ی شرکت که در این تحقیق برای سنجش اندازه شرکت، از لگاریتم طبیعی داراییهای شرکت استفاده می‌گردد.

روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق روش کتابخانه‌ای است. مباحث تئوریک پژوهش از مسیر مطالعه منابع، نشریات؛ منابع داخلی و خارجی موجود در کتابها و استفاده از اینترنت جمع‌آوری شده است. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از اطلاعات اولیه شرکتها بوده است؛ یعنی اطلاعات و داده‌های مورد نیاز تحقیق کلاً از روش کتابخانه‌ای، با استفاده از نرم افزار ره آورد نوین و با مراجعه به سازمان بورس اوراق بهادار تهران و مطالعه صورتهای مالی (ترازنامه و سود و زیان) شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سالهای ۱۴۰۱-۱۳۹۳ بدست آمده‌اند. در این باره علاوه بر مطالعه صورتهای مالی اساسی، اطلاعات مربوط به صورتهای مالی از سایت اطلاعاتی بورس مورد استفاده قرار گرفته است.

برای انجام تحلیل‌های مناسب از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده می‌گردد. از آماره‌های توصیفی جهت توصیف داده‌ها استفاده شد. همچنین مواردی همچون نرمال بودن توزیع متغیرها، پایایی متغیرها، همبستگی بین متغیرها و هم‌خطی بین آنها نیز بررسی گردید. جهت انجام تحلیل‌های استنباطی و بررسی فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های رگرسیونی داده‌های ترکیبی یا تلفیقی^۱ حسب مورد استفاده شد. که بر اساس نتایج حاصل از آماره‌های F لیمر (چاو) و هاسمن در فصل ۴ به طور کامل تشریح می‌گردد، می‌توان نسبت به انتخاب

^۱- Panel or Pooled

روش ترکیبی یا تلفیقی اظهار نظر کرد، این داده‌ها ترکیبی از داده‌های مربوط به شرکت‌های مختلف در سال‌های مختلف است و بصورت مشاهده‌ای شرکت - سال در نظر گرفته شدند. برای تحلیل و آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار ای ویوز استفاده می‌شود. در هر کدام از مدل‌های برازش شده، آزمون‌های مختلفی نیز انجام شدند که در ادامه به شرح آنها پرداخته شده است. در خصوص آماره‌های مختلف مطرح شده در این آزمون‌ها، تصمیم‌گیری براساس مقایسه آماره‌های بدست آمده با مقادیر بحرانی و همچنین از طریق مقایسه احتمال بدست آمده از آماره موردنظر با سطح خطای ۵ درصد (سطح اطمینان ۹۵ درصد) انجام گردید.

یافته‌ها

سیستم کنترل داخلی بر عملکرد مالی با نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران تأثیر دارد.

جدول ۱: سیستم کنترل داخلی بر عملکرد مالی با نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	چولگی	کشیدگی
ROA	۱۴۲	۰/۲۵۴۹	۰/۱۶۷۲	۰/۰۱۰۹	۰/۵۱۵۹	۱/۱۲۳	۱/۸۹۰
ICE	۱۴۲	۰/۲۶۳۷	۰/۲۴۱۱	۰/۱۲۵۳	۰/۷۹۳۲	۰/۶۶۶	۰/۵۵۳۱
LEV	۱۴۲	۰/۳۴۱۹	۱/۲۴۵۲	۰/۰۵۲۱۷	۰/۳۹۸۷	۱/۲۵۸۴	۰/۹۵۴۷
SIZE	۱۴۲	۱۱/۲۱۵۴	۱/۱۲۵۲	۱۰/۰۴۵۲	۱۴/۶۹۱۹	۱/۰۰۳	۱/۲۱۲

ROA: عملکرد مالی؛ ICE: سیستم کنترل داخلی؛ LEV: نسبت بدهی؛ SIZE: اندازه شرکت

با توجه به جدول ۱، میانگین سطح عملکرد مالی شرکت‌های نمونه برابر با ۰/۲۵۴۹ بوده و کم‌ترین و بیشترین مقدار آن به ترتیب برابر با ۰/۰۱۰۹ و ۰/۵۱۵۹ می‌باشد. بررسی میزان چولگی و کشیدگی این متغیر که بایستی به ترتیب ۰ و ۳ باشد تا متغیر دارای توزیع نرمال باشد، نشان می‌دهد که این متغیر دارای توزیع نرمال است. برای سایر متغیرها نیز مطابق جدول فوق قابل تفسیر است.

جدول ۲: آزمون همبستگی پیرسون

متغیر	ROA	ICE	LEV	SIZE
ROA	۱	۰/۱۷۶	-۰/۱۸۵	۰/۴۸۹
ICE		۱	-۰/۲۶۵	۰/۴۱۰
LEV			۱	-۰/۱۷۹
SIZE				۱

Sig(021) Sig(002) Sig(004)

Sig(338) Sig(000)

Sig(007)

ROA: عملکرد مالی؛ ICE: سیستم کنترل داخلی؛ LEV: نسبت بدهی؛ SIZE: اندازه شرکت

بر اساس نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون، بین متغیرهای عملکرد مالی با سیستم کنترل داخلی رابطه مثبت و مستقیم و با مدیریت سود واقعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

جدول ۳: نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره فرضیه اول

نوع متغیر	نماد	نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی دار
متغیر وابسته	Y	عملکرد مالی	-	-	-
مقدار ثابت	α	آلفا	-۱/۷۴۴	-۲/۶۴۸	۰/۰۲۵
متغیر مستقل	X1	سیستم کنترل داخلی	۰/۷۸۰*	۴/۱۸۸	۰/۰۰۰
متغیر میانجی	Z	عدم تقارن اطلاعاتی* سیستم کنترل داخلی	۰/۴۴۰*	۲/۷۸۸	۰/۰۰۱
متغیرهای کنترل		نسبت بدهی	۰/۶۲۷*	۲/۹۹۵	۰/۰۲۰
		اندازه شرکت	-۰/۷۲۲*	-۲/۹۰۴	۰/۰۰۰
		دوربین واتسون	۱/۸۵۶	-	-
		آماره F	۳/۷۴۲	-	۰/۰۰۰
	R	ضریب همبستگی	۰/۴۴۳	-	-
	R Square	ضریب تعیین	۰/۷۹۷	-	-
	Adjusted R Square	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۸۳	-	-

*: سطح معنی داری برابر با ۰/۰۵ می باشد.

همانگونه که این نگاره نشان می‌دهد، مقدار ($p\text{-value} < 5\%$) بدست آمده و مقدار آماره t از مقادیر $+1,96$ و $-1,96$ بیشتر بدست آمده لذا نشان می‌دهد سیستم کنترل داخلی بر عملکرد مالی با نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران تأثیر دارد. مثبت بودن ضریب متغیر سیستم کنترل داخلی بر عملکرد مالی ($0,780$) و سیستم کنترل داخلی با نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی ($0,440$) حاکی از رابطه مثبت و مستقیم عدم تقارن اطلاعاتی در ارتباط بین سیستم کنترل داخلی و عملکرد مالی می‌باشد؛ به طوری که با افزایش ۱ واحدی سیستم کنترل داخلی، سطح عملکرد مالی به میزان $0,440$ واحد افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه سطح معناداری آماره F کمتر از $0,05$ می‌باشد ($0,000$)؛ بنابراین الگوی رگرسیون برازش (محاسبه) شده معنادار است و با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده، متغیر سیستم کنترل داخلی با نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی $79,7$ درصد از تغییرات سطح عملکرد مالی را توضیح می‌دهند. آماره دورین واتسون نیز چون بین $1/5$ تا $2/5$ می‌باشد ($1/856$)، پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین متغیرها مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

پژوهش با هدف مطالعه تأثیر سیستم کنترل داخلی بر عملکرد مالی با نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران انجام شد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی - همبستگی جامعه آماری که برای آزمون فرضیه‌ها در این تحقیق متصور شده است شامل شرکتهای بورسی در بازه زمانی سالهای $1401-1393$ که تعداد 142 شرکت بود. حجم نمونه 142 پرسشنامه است. جامعه آماری که برای آزمون فرضیه‌ها در این تحقیق متصور شده است شامل شرکتهای بورسی در بازه زمانی سالهای $1401-1393$ و شرکتهایی به منظور یکسان‌گزینی انتخاب می‌شوند که سال مالی شرکت منتهی به 29 اسفند بوده و تغییر سال مالی در بین سالهای $1401-1393$ مشاهده نشود. همچنین توقف معاملاتی در بازه زمانی $1401-1393$ بیش از 3 ماه متوالی نداشته باشد. نتایج نشان داد که بین متغیرهای عملکرد مالی با سیستم کنترل داخلی رابطه مثبت و مستقیم و با مدیریت سود واقعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. در تحلیل بیشتر در ادامه به بحث و نتیجه‌گیری در این رابطه پرداخته شده است.

سیستم کنترل داخلی بر عملکرد مالی با نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران تأثیر دارد. مثبت بودن ضریب متغیر سیستم کنترل داخلی بر عملکرد مالی ($0,780$) و سیستم کنترل داخلی با نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی ($0,440$) حاکی از رابطه مثبت و مستقیم عدم تقارن اطلاعاتی در ارتباط بین سیستم کنترل داخلی و عملکرد مالی می‌باشد؛ به طوری که با افزایش ۱ واحدی سیستم کنترل داخلی، سطح عملکرد مالی به میزان $0,440$ واحد افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه سطح معناداری آماره F کمتر از $0,05$ می‌باشد ($0,000$)؛ بنابراین الگوی رگرسیون برازش (محاسبه) شده معنادار است و با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده، متغیر سیستم کنترل داخلی با نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی $79,7$ درصد از تغییرات سطح عملکرد مالی را توضیح می‌دهند. آماره دورین واتسون نیز چون بین $1/5$ تا $2/5$ می‌باشد ($1/856$)، پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین متغیرها مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

نتایج نشان داد سیستم کنترل دولتی بر عدم تقارن اطلاعات اثر مستقیم دارد. این یافته با مطالعات مونتر و همکاران (2022) و واراندارجان (2020) همخوان می‌باشد. این بدان معنی است که اتخاذ تدابیر در خصوص پیشگیری از هر گونه انحراف از برنامه‌ها و استانداردهای از پیش تعیین شده می‌تواند شرایط غیر معمول و غیر متعارف روال اطلاعاتی در بازار سرمایه که عدم شفافیت در بازار را به دنبال دارد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارتی می‌توان گفت شرکت یا سازمان از طریق قوانین و مقررات لازم، طرز تفکر مدیریت و نحوه اجرای آن، طرح منطقی سازمان، روش‌های موثر مدیریت نیروی انسانی، سیستم پیش‌بینی‌های مالی و بودجه، یک واحد حسابرسی داخلی و یک کمیته حسابرسی فعال می‌تواند عدم شفافیت در بازار را کاهش دهد. در واقع یک سیستم کنترل دولتی موثر از طریق روش‌های مدیریت موثر نیروی انسانی، پیش‌بینی‌های مالی و بودجه، که استانداردهای دقیق و مشخص برای نحوه اجرای عملیات، پی‌جویی و

ارزیابی سیستم داخلی و کارآیی هر یک از بخشهای واحد تجاری در انجام دادن وظایف محول، گزارش یافته‌های خود و ارائه پیشنهادها اصلاحی به مدیریت ارشد، طراحی و اجرای روشهای رسیدگی که کارآیی تقریباً تمام جنبه‌های عملیاتی شرکت را آزمون کند، کمک به مدیریت واحد تجاری در اداره کردن امور شرکت به بهترین وجه، تنظیم مدارک و روشهای حسابداری را رسیدگی و کاربرگهای حسابرسی میتواند میزان عملکرد مالی را افزایش و بهبود بخشد.

نتایج نشان داد سیستم کنترل دولتی بر عملکرد مالی اثر مستقیم دارد. این یافته با مطالعات رخشانی و همکاران (۱۴۰۰)، قره‌چه و همکاران (۱۳۹۸)، اده و همکاران (۲۰۲۰) همخوان است چراکه به نتایج مشابهی در این زمینه دست یافتند. در تبیین این یافته میتوان گفت اتخاذ تدابیر لازم برای پیش‌گیری از هرگونه انحرافات از برنامه‌ها و استانداردهای از پیش تعیین شده توانسته است میزان سودآوری و درآمدهای پیش‌بینی شده را برای سازمان به وجود بیاورد و مجموعه سیاستها و استراتژی‌های صورت گرفته از سوی سازمان نسبت به اهداف از پیش تعیین شده را تحت تاثیر قرار دهد. بنابراین ساختار کنترل داخلی از طریق به کارگیری سیاست و روش‌ها جهت آگاهی و اطمینان نسبی از دستیابی به هدف‌های سازمانی و تمام اقداماتی که مدیریت اطمینان می‌یابد هر چیز باید به گونه‌ای عمل کند میتواند منجر به عملکرد مالی موفق گردد. در واقع مدیران از طریق گزارشهای مالی و آماری و به کارگیری سیستم کنترل داخلی میزان عملکرد مالی را افزایش میدهند. دلیل آن را میتوان افزایش قابلیت اطلاعات حسابداری، رعایت رویه‌های صحیح شرکت، کنترل داخلی حسابداری، کنترل داخلی اداری و ایفای مسئولیت مدیران است که منجر به عملکرد مالی موفق میشود. در استناد بیشتر میتوان به مطالعه موترو و همکاران (۲۰۲۲) اشاره کرد که به این نتیجه رسیدند که سیستمهای کنترل داخلی و کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی بر عملکرد مالی و بازاریابی با نقش میانجی کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی غیرمالی تأثیر معناداری دارد.

نتایج نشان داد عدم تقارن اطلاعات بر عملکرد مالی اثر دارد. افزایش عدم تقارن اطلاعاتی اثرات نامطلوبی بر هزینه سرمایه شرکت خواهد گذاشت زیرا تامین کنندگان نقدینگی برای حفاظت از خود در برابر ریسک‌گزینش مغایر، دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام را افزایش میدهند که این امر باعث کاهش عمق بازار شده و در نتیجه منجر به کاهش نقدینگی میشود. بنابراین عدم تقارن اطلاعاتی اثر مستقیمی بر عملکرد مالی خواهد داشت. عدم تقارن اطلاعاتی منجر میشود تصمیم‌های مالی بر اساس اطلاعاتی اتخاذ شود که توسط گروه مدیریت شرکت تهیه میشود این امر اثر مستقیمی بر عملکرد مالی میگذارد.

در استناد به این یافته میتوان به مطالعه مانولوپولوس و همکاران (۲۰۱۹) اشاره کرد که به این نتیجه رسیدند که منابع اطلاعاتی بر عملکرد تجاری با نقش میانجی فساد، بروکراسی اداری و قوانین صادراتی تأثیر معناداری داشت.

سیستم کنترل داخلی بر عملکرد مالی با نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران تأثیر مثبت و مستقیم دارد. کنترل‌های داخلی، معیاری برای تعیین میزان بررسی‌های حساب‌رسان و نیز ارزیابی قابلیت اتکای گزارش‌های مالی در نظر گرفته می‌شوند. کمیسیون بورس اوراق بهادار به منظور اجرای بند ۴۰۴ قانون ساربینز - آکسلی وجود چارچوب کنترل داخلی را الزامی می‌داند. مسئولیت چارچوب کنترل داخلی معمولاً بر عهده هیئت مدیره است و این چارچوب باید شامل پنج بخش باشد. مدیران مؤسسات و سازمان‌ها توجه بسیاری به سیستم‌های کنترل‌های داخلی دارند؛ زیرا مدیران به‌خوبی می‌دانند در صورت نبود سیستم کنترل داخلی اثربخش، تحقق رسالت اصلی شرکت، حفظ سودآوری و کاهش رویدادهای غیرمنتظره، بسیار دشوار است و سیستم کنترلی وسیله‌ای است که سبب افزایش اطمینان به ارقام و اطلاعات حسابداری می‌شود و اعداد و اطلاعات، مبنایی برای تصمیمات در نظر گرفته می‌شوند. همچنین آنان را مطمئن می‌سازد سیستم و روش‌های صحیح مالی و اداری در داخل مؤسسه ایشان به‌طور کامل اجرا شده است. صاحبان سرمایه و سایر اشخاص ذی‌نفع در واحدهای اقتصادی، کنترل‌های داخلی را ابزاری برای دستیابی به اهداف واحد اقتصادی در نظر می‌گیرند. فرض اصلی و پایه‌ای در

بحث‌های عمومی و گزارش‌ها این است که کنترل داخلی، سبب بهبود کیفیت و گزارشگری مالی می‌شود و مشکلات حاکمیتی را کاهش می‌دهد. در بیشتر اوقات، ضعف کنترل داخلی که حسابرس، گزارش می‌کند، در نامه مدیریت، آورده و به مدیریت ابلاغ می‌شود. با وجود این، بین ضعف‌های گزارش شده در نامه مدیریت و گزارش حسابرس و بازرسی قانونی تفاوت وجود دارد. نوع دوم شامل ضعف‌های بااهمیتی است که به دلیل اهمیت آن در متن گزارش حسابرسی افشا می‌شود. ضعف‌های بااهمیت، اثربخشی کنترل داخلی را از بین می‌برند. ضعف کنترل‌های داخلی خطر تحریف در صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد؛ در نتیجه، حساب‌رسان، ریسک بالاتری را برای این شرکت‌ها در نظر می‌گیرند. شرکت‌های دارای ضعف کنترل داخلی نسبت به شرکت‌های فاقد ضعف کنترل داخلی حق الزحمه بیشتری را پرداخت می‌کنند. وجود سهامدارن دولتی و ارتباطات سیاسی، به دلیل نظارت بر شرکت‌ها کنترل داخلی را بهبود می‌بخشد و بر میزان حق الزحمه پرداختی به حساب‌رسان مؤثر است. از سویی نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق مونترو و همکاران (۲۰۲۲) همسو و همراستا می‌باشد که این فرضیه را در تحقیق خود به تأیید رسانیده‌اند. پژوهش حاضر همانند هر پژوهش دیگری با محدودیت‌هایی همراه بود از جمله محدود نمودن جامعه آماری پژوهش به محدوده جغرافیایی شهر تهران با وجود محدودیت پیشنهاد می‌شود نقاط ضعفی را در نظر بگیرند که سبب افزایش حجم کار حسابرس و به دنبال آن، افزایش حق الزحمه حسابرسی شده است. همچنین، نسبت به برطرف کردن نقاط ضعف کنترل داخلی اقدام کنند. همچنین به شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود برای کاهش ضعف کنترل داخلی خود در هیئت مدیره شرکت، مدیران سیاسی را به کار بگیرند. به سرمایه‌گذاران و سهامداران پیشنهاد می‌شود با توجه به نقش فعال مدیران سیاسی که با نظارت خود سبب افزایش کیفیت گزارشگری مالی و به دنبال آن، افزایش کیفیت کنترل داخلی می‌شوند، برای سرمایه‌گذاری، شرکت‌هایی را در اولویت قرار دهند که درصد بالایی از سرمایه‌گذاری آنها مربوط به نهادهای دولتی است. همچنین، در تصمیمات سرمایه‌گذاری و تأمین مالی شرکت‌ها به مالکیت دولتی و هیأت مدیره سیاسی به‌عنوان ناظران بر عملکرد شرکت توجه کنند.

منابع

تقی‌زاده جورشری، محمد، نصر اصفهانی، علی؛ فرخی، مجتبی؛ امانی، مجتبی، (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر بازاریابی استراتژیک بر عملکرد خدمات جدید: نقش نوآوری خدمات (مطالعه موردی: شرکتهای بیمه استان گیلان)»، چشم انداز مدیریت بازرگانی، شماره ۹، ص ۵۹-۴۱.

خجسته، علیرضا، وادی زاده، کاظم، (۱۴۰۰)، «نقش بازرندگی تقلب کنترل‌های داخلی و واجد حسابرسی داخلی»، پژوهش‌های حسابداری حرفه ای، ۲ (۵)، ۵۵-۸.

خرم آبادی، مهدی، حساس یگانه، یحیی، برزیده، فرخ، صالحی صدقیانی، جمشید، (۱۳۹۹)، «تبیین و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر ارزیابی اثربخش کنترل‌های داخلی در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران با رویکرد فازی»، نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۲ (۱)، ۸۲-۵۷.

خرمی، رضا، (۱۳۹۷)، «تأثیر قابلیت‌های بازاریابی بر بهبود تکنولوژیکی، محصولات نوآورانه و متمایزسازی محصولات صنایع متوسط استان اردبیل»، پژوهشنامه مدیریت اجرایی، سال دهم، شماره ۴، ص ۴۲-۵۷.

رازمش، فاطمه، نبی زاده، سیدعارف. (۱۴۰۰). بررسی تاثیر سیستم های کنترل داخلی بر رابطه بین مدیریت سود و عملکرد آتی شرکت. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۴ (۵۰)، ۲۱-۴۱.

رحیمی، مهدی، (۱۳۹۸)، «بررسی تأثیر بازاریابی صادرات و انطباق آمیخته بازاریابی بر عملکرد صادراتی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.

رخشانی، محمودرضا، زراعتگری، رامین، پیفه، احمد، پایان، علی. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر بکارگیری سیستم های اطلاعاتی حسابداری بر عملکرد مدیریت. پژوهش های مدیریت عمومی. ۱۴ (۵۲)، ۱۹۸-۱۶۹.

رضازاده، جواد، و آزاد، عبدالله، (۱۳۸۷)، «رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه کاری در گزارشگری مالی». بررسیهای حسابداری و حسابرسی، ۱۵ (۵۴)، ۶۳-۸۰.

عزیزی، جعفر، حسینی مقدم، سید محمدرضا و حجازی، سید رضا، (۱۳۹۶)، تأثیر کارآفرینی و بازاریابی در عملکرد صادراتی تعاونی تولیدکنندگان محصولات گلخانه ای استان تهران، فصلنامه تعاون و کشاورزی، دوره ۶، شماره ۲۴، صفحه ۴۶-۲۷.

فیاض، فرشته، (۱۳۹۶)، بررسی نقش دیدگاه منبع محوری به منابع انسانی بر توسعه عملکرد صادراتی، فصلنامه پژوهش های مدیریت در ایران، ۲۱ (۳)، ۱۳۷-۱۲۱.

قره چه، منیژه، اسدالهی، هوشنگ و عبدالحسین کرم پور، (۱۳۹۸)، تأثیر رویکرد منابع بر عملکرد صادراتی بر اساس استراتژی رقابتی تمرکز در صنعت کانی غیرفلزی، فصلنامه مدیریت بازرگانی، ۱۰ (۴)، ۳۰-۲۳.

کردستانی، غلامرضا، محمدی نسب، سید محسن. (۱۴۰۲). تأثیر اثربخشی کنترل های داخلی بر افشای ریسک در متن گزارش های مالی، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۵ (۵۷)، ۲۲-۱.

کرمی، اژدر، صنوبر، ناصر، کرمی، هادی و زهرا یونس پور، (۱۳۹۷)، تأثیر گرایش کارآفرینی بر عملکرد صادراتی شرکتهای کوچک و متوسط با نقش میانجی قابلیت یادگیری، فصلنامه مدیریت کسب و کار بین المللی، دوره ۱، شماره ۱.

نیری، امیرعباس، (۱۳۹۶)، «تأثیر بازاریابی استراتژیک بر عملکرد نوآورانه محصول و مزیت هزینه در صنایع کوچک استان تهران»، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس مدیران کیفیت، تهران.

Alhassan Musah, Abigail Padi, Bismark Okyere, Deodat E. Adenutsi & Charles Ayariga (2022) Does corporate governance moderate the relationship between internal control system effectiveness and SMEs financial performance in Ghana?, Cogent Business & Management, 9:1, DOI: 10.1080/23311975.2022.2152159 .

Ede, T.Y. (2020). Six Sigma: insights from organizational innovativeness and market orientation, International Journal Quality and Reliability Management, Vol. 28, No.3, PP.252-262.

Kumlu, Ö. (2014). The effect of intangible resources and competitive strategies on the export performance of small and medium sized enterprises, Procedia - Social and Behavioral Sciences 150 (2014) 24 – 34.

Lisboa, A., Skarmeas, D. and Lages, C. (2011) 'Entrepreneurial orientation, exploitative and explorative capabilities, and performance outcomes in export markets: a resource-based approach', Industrial Marketing Management, Vol. 40, pp.1274-1284.

- MAAROUFI. A & EL HAJI H. (2022). The effect of internal control components on the organizational performance of Moroccan public organization: a theoretical exploration, *Revue du contrôle, de la comptabilité et de l'audit*, 6 (2), 242 – 262.
- Manolopoulos, D., Erifili, C., and Constantina Kottaridics. (2019). Resources, home institutional context and SMEs' exporting: Direct relationships and contingency effects, *International Business Review*, 10(2), 139-144.
- Masnan, F., Saad, N. M., & Ramlee, A. A. (2018). Assessing the Implications of Dynamic Capability and International Opportunity Recognition on Export Performance of Manufacturing SMEs in Malaysia. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 8(8), 361–374.
- Miocevic, D., and Robert E Morgan. (2018). Operational capabilities and entrepreneurial opportunities in emerging market firms: explaining exporting SME growth", *International Marketing Review*, 28(1), 66-75.
- Monteiro, A., Vale, J., Leite, E and Marcin Lis. (2022). The impact of information systems and non-financial information on company success. *International Journal of Accounting Information Systems* 45(2022)100557
- Monteiro, Albertina Paula; Ana Maria Soares; and Orlando Lima Rua. (2017). Entrepreneurial orientation and export performance: the mediating effect of organisational resources and dynamic capabilities, *J. International Business and Entrepreneurship Development*, Vol. 10, No. 1.
- Monteiro, Albertina Paula; Ana Maria Soares; and Orlando Lima Rua. (2019). Linking intangible resources and entrepreneurial orientation to export performance: The mediating effect of dynamic capabilities, *J Journal of Innovation & Knowledge*, Vol. 4, No. 1. 179-187.
- Osma, B., Gomez-Conde, J., and Ernesto Lopez-Valeiras. (2022). Management control systems and real earnings management: Effects on firm performance. *Management Accounting Research*. 55(1), 89-93.
- Rajapathirana R. P and Jayani, Yan Hui. (2018). Relationship between innovation capability, innovation type, and firm performance, *Journal of Innovation & Knowledge*, 3 (1): 44–55.
- Ruba Hamed. (2023). The Role of Internal Control Systems in Ensuring Financial Performance Sustainability, *College of Business*, 15 (3), 10206. <https://doi.org/10.3390/su151310206>
- Varadarajan, R. (2020). Customer information resources advantage, marketing strategy and business performance: A market resources based view. *Industrial Marketing Management*, 2(1), 110-119.
- Zhang L, Su W. (2023). Corporate social responsibility, internal control, and firm financial performance. *Front Psychol*. 2023 Jan 3;13:977996. doi: 10.3389/fpsyg.2022.977996. PMID: 36660285; PMCID: PMC9842667.